

اختلال در روند پاسخ‌گویی و راهکارهای جلوگیری از آن

گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی محمدی

حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی محمدی در سال ۱۳۴۴ در شهر مقدس قم به دنیا آمد؛ وی پژوهشگر علوم قرآنی، عضو هیئت‌علمی جامعه المصطفی‌العالمیه علیه السلام و یکی از خطیبان و کارشناسان دینی ایرانی است. او سابقه حضور در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی جمهوری اسلامی ایران، نظیر برنامه «سمت خدا» و «بر بال سخن» و سخنرانی در اماکن و محافل دینی و هیئات مذهبی را در داخل و خارج کشور در کارنامه خود دارد. محور بسیاری از سخنرانی‌های ایشان پاسخ به شبهات دینی است. همچنین وی کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه موضوعات قرآنی و سایر موضوعات دینی نگاشته است. تدریس در حوزه و دانشگاه از دیگر فعالیت‌های علمی ایشان است.

اشاره

یکی از راه‌های انتقال مطالب و معارف دینی مانند همه عرصه‌های دیگر، مدل پرسش و پاسخ است. پرسش گاهی از سوی جاهل و رسیدن به علم است و گاهی از سوی منکر و برای تخریب شخصیت، فکر و عقیده طرف مقابل است که به آن شبهه نیز گفته می‌شود. پاسخ هرکدام از این‌ها روش‌های متناسب با خود را می‌طلبد. درباره پاسخ به شبهات اساتید مختلف در حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز علمی نکات مفیدی بیان کرده‌اند. در اینجا مجله پاسخ گفتگویی را که با استاد دکتر ناصر رفیعی محمدی در خصوص این موضوع صورت گرفته را با اندکی تصرف تقدیم می‌نمایم.

مجله پاسخ: حضرت استاد! علل و عوامل بروز اختلال در روند پاسخ‌گویی به شبهات دینی را

چه می‌دانید؟

♦ در پاسخ به این سؤال نکاتی را به اختصار خدمت شما عرض می‌کنم:

نکته اول: عدم شناخت شبهات است؛ ممکن است افرادی اصلاً ندانند که شبهات چیستند و در واقع ندانستن شبهه، موجب می‌شود که تلاشی برای پاسخ‌گویی به آن‌هم پیدا نشود. نکته دوم: گاهی با شبهات آشنا هستند؛ ولی شیوه پاسخ‌گویی را بلد نیستند. چرا شیوه پاسخ‌گویی را نمی‌دانند؟ گاهی علمیت بالا باعث می‌شود که از پاسخ‌های ساده و روان غفلت شود. درست مثل اینکه الآن فرضاً بچه شما یک مسئله ریاضی را از کلاس دوم ابتدایی آورده است و شما فوق‌لیسانس ریاضیات دارید و می‌خواهید از راه انتگرال برای او حل کنید. او متوجه نمی‌شود و نمی‌داند که انتگرال چیست. یا فرضاً شما می‌خواهید یک موضوعی را در علوم یا در فارسی و یا در رشته‌هایی که بچه دارد، از آن پاسخ‌های خودتان در دانشگاه جواب دهید؛ پس مطلب دوم گاهی تفاوت سطح بین شبهه و شبهه‌گر و کسی است که شبهه را می‌پرسد.

نکته سوم: گاهی اوقات افراد پاسخ شبهه را بلد نیستند که چگونه باید بدهند. در بخش اول عرض کردم که شبهه را نمی‌شناسند، در بخش دوم گفتم که شبهه را می‌شناسند ولی بلد نیستند که پاسخ را روان بدهند. در بخش سوم، پاسخگو بلد نیست که به شبهه پاسخ دهد و این بلد نبودن خودش یک عیب است که باید در حوزه، دانشگاه و مراکز علمی به صورت تخصصی افرادی برای شبهات تربیت شوند.

رشته فردی علوم قرآن است، ممکن است شبهات مربوط به قرآن را جواب دهد؛ ولی نمی‌تواند به شبهات کلام یا فلسفه جواب دهد، حوزه‌های این‌ها امروزه فوق‌العاده تخصصی است و لذا خود پاسخ‌گویی نیاز به پیشینه علمی و آگاهی لازم دارد که بتواند جواب دهد. به نظر من این‌ها سه عاملی هستند که موجب اختلال در پاسخ‌گویی به شبهات دینی در جامعه می‌شوند.

نکته چهارم: گاهی پیش‌فرض‌های ذهنی مانع از پاسخ‌گویی به شبهات دینی می‌شود. معروف است یعنی یک پیش‌فرضی دارد که نباید کسی راجع به این موضوع اصلاً سؤال کند، چرا می‌پرسد. بالأخره عصر اینترنت، ماهواره و پیشرفت است و ممکن است گاهی شبهاتی در ذهن فردی شکل بگیرد.

نکته آخر هم اینکه از شبهات نباید ترسید، باید به پاسخ‌گویی شبهات پرداخت نه اینکه بترسند.

مجله پاسخ: حضرتعالی مهم‌ترین عامل را چه چیزی می‌دانید؟

♦ مهم‌ترین عامل را عامل سوم یعنی آشنا نبودن با پاسخ است؛ یعنی خیلی‌ها نمی‌دانند که جواب این شبهه چیست و خیلی از اوقات هم نیاز به پاسخ تفصیلی نیست؛ یعنی به راحتی پاسخ داده می‌شود. فرضاً الآن کسی شبهه‌ای طرح می‌کند و می‌گوید: شما چرا به ائمه علیهم‌السلام می‌گویید که بچه ما را شفا بده؟ این، شرک است. مگر خداوند قاضی الحاجات نیست؟ ببینید این شبهه با یک مثال ساده که خداوند خالق است؛ اما حضرت عیسی علیه‌السلام هم می‌گوید «أَخْلُقُ»، یعنی من خلق می‌کنم. [۱] خود خداوند جان‌ها را می‌گیرد ولی جان گرفتن را به عزرائیل واگذار کرده است؛ [۲] همان‌طور که وحی به جبرئیل، رزق به میکائیل و مرگ به عزرائیل واگذار شده است، چه اشکالی دارد که خداوند به معصومی برآوردن حاجات را واگذار کند. به سادگی پاسخ داده می‌شود؛ یعنی در پاسخ‌گویی به شبهه خیلی مهم است که پاسخ را بلد باشند و درون‌دینی جواب دهند. این، خیلی مهم است؛ یعنی شبهه قرآنی را از درون قرآن و شبهه تاریخی را از درون تاریخ جواب دهیم.

مجله پاسخ: این اختلال در روند پاسخ‌گویی به شبهات دینی چه پیامدهایی در جامعه به دنبال دارد؟

♦ من در اینجا یک نکته‌ای را بگویم و آن نکته این است که بین شبهه و ایجاد تردید و شبهه‌افکنی تفاوت وجود دارد؛ یعنی سؤال با شبهه‌افکنی متفاوت است، شبهه با شبهه‌افکنی متفاوت است. شما الآن به بنده بگویید که این دیوار کج است، ممکن است در ذهن من هم کج تداعی شود، یا مثلاً بگویید که عسل تلخ است و ممکن است من هم تلخی احساس کنم. این، شبهه‌افکنی است، یعنی تخریب ذهن است؛ به عبارت دیگر بهانه‌جویی با شبهه کردن متفاوت است.

پیامدهای منفی اختلال در روند پاسخ‌گویی به شبهات دینی عبارتند از:

الف) بی‌اعتمادی به علمای دینی است؛ یعنی ممکن است مردم بگویند که پس علمای نمی‌توانند پاسخگوی دین باشند.

ب) ماندگاری شبهه باعث استحکام و تثبیت شبهه و تخریب یک عقیده می‌شود؛ یعنی زمانی که کسی نتوانست برای شبهه‌اش پاسخی بگیرد، می‌گوید پس شبهه‌ام درست است و پس نباید نماز خواند و نباید روزه گرفت و نتیجه‌گیری‌های بدی در پی خواهد داشت.

ج) بدبینی به دین و اینکه دین ناقص و ابتر است. در صورتی که «اسلام به ذات خود ندارد عیبی، هر عیبی که هست از مسلمانی ماست». اگر من نتوانم به سؤال شما جواب دهم، دلیل بر این نیست که دین، اشکال دارد. مثل این است که یک پزشک نتواند بیماری شما را معالجه کند و نباید به نظام پزشکی بدبین شد، مسلماً این بیماری، درمان دارد و پزشک بلد نیست.

مجله پاسخ: در زمینه فرهنگ دینی این اختلال در روند پاسخ‌گویی چه تبعاتی را به دنبال دارد؟

◆ مشخصاً در زمینه فرهنگ دینی، از جمله تبعات آن ضعف باور به دین است، یعنی افراد تک‌تک از حوزه دین جدا می‌شوند، مردم را از دین جدا می‌کند. می‌گویند: دینی که این قدر از آن شبهات است و پاسخ هم پیدا نمی‌شود، امام هم که در بین جامعه نیست و علما هم پاسخگو نیست، پس معلوم است که این دین، ناقص است. موجب می‌شود که نگاه به دین نگاه ابتر و ناقصی شود. همین ضعف باورمندی دینی هم خودش را در عرصه‌های دیگر اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد.

به همین خاطر برخی می‌گویند، پس دین اداره‌کننده نیست. همان چیزی است که قبلاً هم می‌گفتند که دین مانع رشد است، یعنی احساس می‌کنند که نه تنها دین پیش نمی‌برد، بلکه بازدارنده است.

اشکال این است که بعضی اوقات اگر به شبهات پاسخ داده نشود، منجر به این می‌شود که فرد لائیک و بی‌دین شود، می‌گوید: اگر دین نداشتم، مشکلی نبود. مثل کبکی که سرش را داخل برف می‌کند و می‌گوید خبری نیست و موجب می‌شود که فرد از پیرامون خودش غافل شود.

مجله پاسخ: چه راهکارهایی را برای کاهش اختلال در روند پاسخ‌گویی به شبهات دینی پیشنهاد می‌کنید؟

♦ راهکار اول: حوزه‌های پاسخ‌گویی تخصصی شود. ببینید حوزه احکام، حوزه کلام، حوزه استشراق، حوزه قرآن، حوزه حدیث و حوزه فلسفه و حوزه‌های دیگر باید از هم جدا شوند. ما یک پزشک عمومی و یک پزشک متخصص داریم. پزشک عمومی یک سری اطلاعات کلی راجع به بیماری‌ها دارد؛ اما اگر تخصصاً ریه شما مشکل داشت باید به سراغ متخصص ریه بروید، اگر بچه شما مشکل داشت باید به سراغ متخصص اطفال بروید. آقایان حوزوی باید مثل پزشکان یک اطلاعات کلی داشته باشند، نمی‌شود که کسی در خیابان از من بپرسد که غسل جمعه جای وضو را می‌گیرد یا نه؟ و من بگویم که تخصص من قرآن است. این چه معنایی دارد، پس آخوندی چیست؟ پس یک حداقلی را باید بلد باشند؛ پس راهکار اول این است که حوزه‌ها تخصصی باشد؛ یعنی مشخص باشد.

نکته دوم: تمام شبهات شناسایی شود، اینکه بدانیم چند هزار شبهه وجود دارد، البته شنیده‌ام که این کار انجام شده است. اصلاً شبهات چیستند، این شبهات به صورت فراوان همپوشانی دارند، یعنی یک شبهه هزاران بار مطرح شده است، صدمبار در شبکه‌های ماهواره‌ای مطرح شده است. راهکار پیدا کردن شبهات هم همین سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای است که علیه دین و شیعه و اسلام تبلیغ می‌کنند. این دومین راهکار بود.

راهکار سوم: روش پاسخ‌گویی تدریس شود. یک تحقیق و یک روش تحقیق وجود دارد. الآن شما می‌خواهید پایان‌نامه بنویسید، تحقیق دارید اما روش تحقیق ندارید، باید روش پاسخ‌گویی آموزش داده شود که به چه شیوه‌ای انجام شود. برای مثال در نقل دارد که زمانی چهار نفر با یک فرد اهل شام وارد مناظره شدند و به شبهات او پاسخ دادند و هر چهار نفر گیر کردند ولی هشام بن حکم جواب همه را داد. امام صادق علیه السلام فرمودند: هشام هم خوب پرواز می‌کند و هم خوب می‌نشیند. «يَقَعُ وَ يَطِيرُ»، هم اوج می‌گیرد و هم می‌نشیند؛ اما شما اوج می‌گیرید ولی بلد نیستید که بنشینید. این، خیلی نکته مهمی است. خیلی‌ها در بحث اوج می‌گیرند و در هوا بال می‌زنند ولی نمی‌توانند از پاسخ بیرون بیایند؛ اما هشام گزیده و گویا جواب می‌داد. خوب اوج می‌گرفت و خوب می‌نشست. [۳] خلبان خوب کسی نیست که فقط بتواند پرنده را بلند کند، خلبان خوب کسی است که بتواند یک پرواز را به خوبی بنشانند. به نظرم این، نیازمند روش پاسخ‌گویی است که باید برای آن

دوره‌هایی گذاشت. مثل تبلیغ است که فرد فکر می‌کند با برف‌انبار کردن اطلاعات می‌تواند منبر برود، نه منبر یک روش، قلق و شیوه‌ای دارد.

پایان‌نامه‌ها، تحقیقات و مجلات به سمت‌وسوی این شبهات سوق داده شود. طلاب ما و دانشمندان علوم اسلامی ما از آخرین دستاوردهای پژوهشی غافل نشوند. امروز می‌توان با تاریخ نقلی به شبهات تاریخی پاسخ داد؛ یعنی شما با تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی می‌توانید به شبهات تاریخی پاسخ دهید، حتماً باید کتاب آقای جعفر مرتضی، آقای جعفریان و آقای پیشوایی را ببینید؛ یعنی امروز تاریخ تحلیلی جای تاریخ نقلی را گرفته است. امروز فقط می‌توان با مطالعه تفسیر «مجمع‌البیان» به پاسخ شبهات پرداخت. حتماً باید کسی آخرین دستاوردهای تفسیری را ببیند.

آخرین توصیه هم این است در کنار اینکه همیشه علم و آخرین تحقیقات دیده شود، حوزه، کفایه، رسائل و مکاسب باید خوانده شود؛ ولی اینها به‌تنهایی پاسخگو نیست. آقای قرائتی مثالی می‌زد. ایشان می‌فرمود: یک خاکی نزد من آمد و گفت: من زشت هستم و زیبا نیستم و مشکل جسمی دارم. پس چطور خداوند عادل است که من را آفریده است و هیچ‌کسی هم با من ازدواج نمی‌کند؟ آقای قرائتی یک جمله زیبایی گفتند. گفت: جواب این سؤال نه در مکاسب و نه در کفایه است. چه جوابی می‌خواهید به این سؤال بدهید؟ کسی که می‌خواهد به این سؤال جواب دهد نمی‌تواند با استصحاب و قاعده یقین جواب دهد. من آن‌ها را نفی نمی‌کنم، آن‌ها حتماً باید خوانده شوند و پشتوانه هستند؛ اما کسی که می‌خواهد به این شبهه پاسخ دهد، باید ماهر باشد که از کجا ورود پیدا کند. با تمثیل آشنا باشد، با شعر و خطابه آشنا باشد، با آخرین دستاوردهای مباحث کلامی و اعتقادی آشنا باشد؛ بلکه پاسخ‌گویی به شبهات مقداری هم نیاز به علوم اجتماعی دارد، یعنی نیاز به روانشناسی و مخاطب‌شناسی دارد. من باید بدانم که مشکل مخاطب من در کجا است.

من یک مثالی به شما عرض کنم. دو نفر خدمت امام صادق علیه السلام آمدند، یکی پرسید: آیا جهان در تخم‌مرغ جا می‌شود؟ آقا فرمودند: بله، شما با چشمت همه‌جا را می‌بینی. او رفت و دیگری آمد و همان سؤال را پرسید و آقا فرمودند: نخیر، نمی‌شود. تخم‌مرغ کوچک است و جهان بزرگ است، انطباع کبیر در صغیر ممکن نیست؛ چرا امام دو پاسخ می‌دهند؟ چون به مخاطب نگاه می‌کنند. [۴]

پس یک مسئله مخاطب‌شناسی است. در ابتدا هم گفتم که اگر بچه ابتدایی یا دبیرستانی یا دانشگاهی از شما سؤال کرد، شبهات اینها باهم متفاوت است و نمی‌شود با یک روش به همه پاسخ داد؛ از این‌رو مخاطب‌شناسی، علوم اجتماعی، روانشناسی و حتی نوع بیان هم اهمیت دارد. گاهی اوقات بعضی در پاسخ به شبهه، شبهه را اثبات می‌کنند که خطر این هم بیشتر است.

باید اخلاق پاسخ‌گویی به شبهات را هم آموزش داد که اگر کسی گفت: من فلان کار را کردم. نباید شما بگویید: تو برو و مرتد هستی، این‌طور نمی‌شود. در سیره معصومین علیهم‌السلام بوده که کسی روبه‌روی امام معصوم علیه‌السلام می‌نشست و می‌گفت: «إِنِّي أَحَبُّ الزَّانَا» من دوست دارم که زنا کنم. یا می‌گوید: «أُظَنِّتُ أَنَّكَ إِمَامٌ؟»، چه کسی گفته که شما امامی؟ یا می‌گوید: عالم اصلاً خالق ندارد، یعنی به سیم آخر می‌زدند. الآن اگر کسی بگوید من ولایت فقیه را قبول ندارم، ممکن است کسی به او بگوید که تو کافر هستی. این‌طور نیست. این نکته مهمی است که خیلی‌ها در پاسخ‌گویی به شبهات، اخلاق لازم را ندارند، یعنی آن‌قدر بد برخورد می‌کنند که جوان جرئت نمی‌کند که سؤال کند. این را باید اصلاح کنیم و پیش‌فرض اصلی است.

مجله پاسخ: بر اساس روند فعلی، آینده شبهات دینی در جامعه و پاسخ‌گویی به آن‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

◆ آقایان می‌گویند علم کلام رشد کرد چون فلاسفه خیلی ایراد گرفتند، یعنی اشکالات فلاسفه موجب رشد علم کلام شد. در حقیقت هرچه شبهات بیشتر باشد، دین تقویت می‌شود؛ یعنی الآن هرکسی به شما و به چهره شما هرچه اشکال بگیرد، شما زیباتر می‌شوید، می‌گوید: موهابیت سفید است و شما رنگ می‌کنید. می‌گوید: موهابیت ریخته است، مو می‌کارید. می‌گوید: پیراهن شما بدرنگ است و شما پیراهن خوش‌رنگ می‌پوشید. به نظر من شبهات دائماً موجب می‌شوند که اشکالات در حوزه دین کمتر شوند.

شما ببینید، زمانی همه می‌گفتند که انقلاب ممکن نیست؛ ولی حضرت امام خمینی علیه‌السلام ثابت کرد که ممکن است. حکومت اسلامی نمی‌تواند خودش را به راحتی اداره کند ولی الآن اداره می‌کند. می‌گفتند: ولایت فقیه معنا ندارد و خیلی‌ها مخالف بودند؛ ولی الآن ولایت فقیه یک تئوری برای اداره جامعه است.

به نظر من هرچه شبهات در آینده بیشتر شود به رشد دین کمک می‌کند؛ اما به این شرط که در شبهه نمانیم. سه مدل حرکت وجود دارد؛ زمانی کسی با آسانسور بالا می‌رود، زمانی کسی در قیر گیر می‌کند و زمانی هم کسی در باتلاق فرو می‌رود. اگر در باتلاق فرو بروید که خطر است، در قیر هم گیر کنید، درجا می‌زنید؛ ولی اگر با آسانسور بالا بروید، رشد می‌کنید. در شبهات باید بین رشد، رکود و انحطاط آن مورد اول را انتخاب کرد، نه در رکود ماند و نه با انحطاط پایین رفت. این، خیلی نکته مهمی است که موجب می‌شود جامعه در مقابل شبهات به بالندگی برسد.

در پایان، به طور خلاصه عرض می‌کنم که راهکارهای جلوگیری از اختلال در روند پاسخ‌گویی به شبهات دینی عبارتند از:

۱. باید اخلاق پاسخ‌گویی به شبهات را آموزش داد تا شیوه برخورد عاری از تهمت و سوءظن و... باشد.
۲. مسئله مخاطب‌شناسی مهم است؛ چراکه باید پاسخ متناسب با سطح مخاطب طراحی شود.
۳. پاسخ‌گویی به شبهات مقداری نیاز به مهارت‌های اجتماعی، آشنایی با سایر علوم مثل جامعه‌شناسی، روانشناسی و مخاطب‌شناسی دارد.
۴. باید پایان‌نامه‌ها، تحقیقات و مجلات را به سمت وسوی پاسخ‌گویی به شبهات سوق داده شود.
۵. طلاب ما و دانشمندان علوم اسلامی نباید از آخرین دستاوردهای پژوهشی غافل شوند.
۶. پاسخگو باید توان تحلیل و استنتاج مطالب داشته باشد.
۷. باید تمام شبهات روز شناسایی شود.
۸. باید حوزه‌های پاسخ‌گویی تخصصی شود. حوزه احکام، حوزه کلام، حوزه استشراف، حوزه قرآن، حوزه حدیث، حوزه فلسفه و حوزه‌های دیگر باید از هم جدا شوند.

پی‌نوشت

[۱]. «أَلَيْسَ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ؛ مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَحْيِيَ طَيْرًا فَنُفِثْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ؛ مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَمُوتَ طَيْرًا فَنُفِثْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ» (سوره اعراف: ۴۹).

[۲]. در مورد گرفتن جان انسان، قرآن یکجا می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (زمر: ۴۲)؛ «خدا، جان مردم را می‌گیرد» و در جای دیگر می‌فرماید: «يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ» (سجده: ۱۱)؛ «ملک الموت [عزرائیل]، جان مردم را می‌گیرد» و جایی دیگر می‌فرماید: «تَوَفَّيْتَهُ رُسُلُنَا» (انعام: ۶۱)؛ «فرشتگان، جان مردم را می‌گیرند». هر سه تعبیر قابل قبول است.

[۳]. «وَ أَمَّا الطَّيْرُ فَكَانَ كَالطَّيْرِ يَقَعُ وَ يَقُومُ وَ أَنْتَ كَالطَّيْرِ الْمَقْصُوصِ [لَا نُهَوِّضُ لَكَ] وَ أَمَّا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ قَامَ حُبَارَى يَقَعُ وَ يَطِيرُ وَ أَمَّا هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ فَتَكَلَّمَ بِالْحَقِّ...»؛ بحارالأنوار، ج ۴۷، ص ۴۰۷.

[۴]. «...قَالَ يَقْدِرُ أَنْ يُدْخِلَ الدُّنْيَا كُلَّهَا الْبَيْضَةَ لَا تَكْبُرُ الْبَيْضَةُ وَ لَا تَصْغُرُ الدُّنْيَا...»؛ بحارالأنوار، ج ۵۸، ص ۲۵۲.

